Archive of SID

فصلنامـه علمی پژوهشـی حسابداری مدیریت
سال یازدهم/ شماره سی‌وهشتم/ پائیز ۱۳۹۷

تأثیر حاکمیت شرکتی بر سلامت مالی بانکهای تجاری ایران

حمید طبائی زاده فشارکی[۱]
محمدابراهیم محمد پورزرندی[۲]
مهرزاد مینوئی[۳]

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۰

چکیده

با توجه به اینکه موضوع حاکمیت شرکتی طی چند دهه اخیر توجه دست اندر کاران اقتصادی را بطور وسیعی به خود جلب نموده، در بسیاری از کشور ها رتبه بندی شرکتها از نظر حاکمیت شرکتی آغاز و پس از بحرانهای مالی چند کشور آسیایی، قوانینی برای بهبود راهبری شرکتی وضع شده است. پرسشی که در این تحقیق طرح می شود این است که آیا در ایران رویه های حاکمیت شرکتی در حال بهبود هستند؟ به ویژه اینکه آیا با استفاده از رویه های حاکمیت شرکتی می توان سلامت مالی بانکهای تجاری ایران را حفظ و ارتقاء بخشید. با توجه به آثار عمده و قابل توجه خصوصی سازی به ویژه در ارتباط با خصوصی سازی بانکها و تبدیل مؤسسات مالی اعتباری به بانک و اینکه تعداد زیادی بانک خصوصی در بازار های اولیه و ثانویه سرمایه فعالیت دارند، تأثیر اعمال حاکمیت شرکتی بر سلامت مالی بانکهای تجاری ایرانی قابل بررسی است. بدین منظور با انتخاب چند عامل سنجش مطلوبیت رویه های حاکمیت شرکتی (مانند تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی، استقلال هیأت مدیره، کیفیت حسابرسی) با توجه به اهمیت شفاف سازی مالی، الزامات سازمان بورس و اعتماد سازی برای سهامداران بویژه سهامداران جزء، تأثیر آنها بر حفظ و ارتقاء سلامت مالی بانکهای تجاری بررسی شده است. جهت تشخیص میزان سلامت مالی در این تحقیق عمدتاً از شاخص های صندوق بین المللی پول استفاده شده است. با توجه به محدود بودن تعداد بانکهای تجاری موضوع پژوهش، جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه بانکهای تجاری ایران بوده است (۲۴ بانک). برای تحلیل داده ها از آمار توصیفی و رگرسیون چند متغیره استفاده شده و در نهایت برای تعیین اثرات متقابل از طریق معادلات ساختاری از نرم افزار لیزرل استفاده شده است. تحلیل نتایج بر اساس فرضیه های تحقیق حاکی از آن است که در سطح بانکهای تجاری شاخص های نفوذ مدیر عامل، سهامداران نهادی و تعداد اعضای هیأت مدیره با شاخص بازدهی دارائیها و بازدهی سرمایه دارای رابطه معنی دار هستند لکن در ارتباط با نسبت سرمایه به دارائی شاخص نفوذ مدیر عامل رابطه مثبت و معنی دار دارد ولی شاخص های تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی رابطه این منفی و معنی دار با این نسبت دارند. همچنین رابطه معنی داری میان نسبت های کارایی و نقد شوندگی با شاخص های حاکمیت شرکتی مشاهده نشده است. نهایتاً آزمونهای تکمیلی و همزمان نشان می دهد که شاخص های حاکمیت شرکتی موجب بهبود در شاخص های سلامت مالی می شوند و در نهایت این شاخص ها موجب تأثیر بر شاخص سود آوری خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، سلامت مالی، بانکهای تجاری، مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت.

۱- دانشجوی رشته حسابداری مقطع دکتری تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران.
Hamidtabaiezade1@gmail.com
۲- استاد دانشکده مدیریت انشگاه آزاد اسلامی ، واحد تهران مرکزی ، تهران،ایران. mail@pourzarandi.com
۳- استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد تهران مرکزی، تهران،ایران. Meh.Minouei@iauctb.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

۱- مقدمه

موضوع حاکمیت شرکتی به شکل وسیع و منتقدانه از اواسط دهه ۱۹۸۰ توجه گروه هایی چون متخصصین، مدیران، سهامداران، سرمایه گذاران، نهادهای نظارتی و دیگران را به خود جلب نموده است. فدراسیون بین المللی حسابداران در سال ۲۰۰۴ حاکمیت شرکتی را چنین تعریف نموده است: حاکمیت شرکتی عبارت است از مسئولیت ها و شیوه های بکار برده شده توسط هیأت مدیره و مدیران موظف با هدف مشخص کردن مسیر راهبردی که ضامن دستیابی به هدف ها، کنترل ریسک ها و مصرف منابع باشد. شفافیت، پاسخگویی و افشای کافی سه عنصر اصلی در حاکمیت شرکتی هستند. بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که حاکمیت شرکتی مجموعه ساز و کارهایی است که به تأیید رفتار منصفانه و درست باهمه

ذینفعان و به تقویت شفافیت و پاسخگویی کمک می کند. استقرار مناسب ساز و کارهای راهبری شرکتی اقدامی اساسی برای استفاده بهینه از منابع، ارتقاء پاسخگویی، شفافیت، رعایت انصاف و حقوق همه ذیفنعان شرکت است.

ابزارهای حاکمیت شرکتی با کیفیت بالا در شرکت‌ها باعث کاهش هزینه سرمایه، افزایش نقد شوندگی و امکانات مالی بالقوه، تسهیل توانایی غلبه بر بحران و جلوگیری از طرد شدن شرکتهای با مدیریت مناسب در بازارهای سرمایه می شود. رویه های حاکمیت شرکتی مناسب در مورد کشورها موجب پیشگیری از خروج وجوه داخلی، افزایش سرمایه گذاری های خارجی، افزایش قدرت رقابتی اقتصاد و بازارهای سرمایه، غلبه بر بحران، تخصیص کاراترمنابع و دستیابی به سطوح بالاتری از پیشرفت و ترقی می شود.

در بسیاری از کشورها از دهه ۱۹۹۰، رتبه بندی شرکتها از نظر حاکمیت شرکتی آغاز شده است. طی همین دهه و پس از بحران‌های مالی چند کشور آسیایی، قوانینی برای بهبود راهبری شرکتی وضع شده پرسشی که در این تحقیق طرح می شود این است که آیا در ایران رویه های حاکمیت شرکتی در حال بهبود هستند ؟ به ویژه این که آیا با استفاده از رویه های حاکمیت شرکتی می توان سلامت مالی بانکهای تجاری ایران را حفظ و ارتقاء بخشید. با توجه به آثار عمده و قابل توجه خصوصی سازی و اصل ۴۴ قانون اساسی بویژه در ارتباط با خصوصی سازی بانکها و تبدیل مؤسسات مالی و اعتباری به بانک و اینکه امروزه تعداد زیادی بانک خصوصی در بازارهای اولیه و ثانویه سرمایه فعالیت دارند، تأثیر اعمال حاکمیت شرکتی بر سلامت مالی بانکهای تجاری ایرانی قابل بررسی است. بدین منظور با انتخاب چند عامل از عوامل سنجش مطلوبیت رویه های حاکمیت شرکتی با توجه به اهمیت شفاف سازی مالی، الزامات سازمان بورس و اعتمادسازی برای سهامداران بویژه سهامداران جزء، تأثیر آنها بر حفظ و ارتقاء سلامت مالی بانکهای تجاری بررسی می شود.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

با وجود کارآمدترین استاندارد های حسابداری و حسابرسی که توسط مراجع نظارتی و حرفه ای مانند SEC و FASB تدوین و الزام آور می شود ولی رسوایی های مالی مانند انرون و موارد مشابه در ایالت متحده همچنان رخ می داد. لذا مراجع مزبور مقررات بیشتری را لازم دانسته اند. این امر نهایتاً منجر به تدوین قانون ساربینز اکسلی و اعمال مقررات حاکمیت شرکتی شده است.

در ایران نیز رویدادهای مشابه رسوایی های مالی فوق هر از چندگاهی در رسانه ها مطرح می شود. با وجود استانداردهای ملی حسابداری و حسابرسی و وجود الزام قانونی به رعایت آنها و ادعای اغلب شرکتها و سازمانهای دولتی و غیردولتی به داشتن حسابرس مستقل و حسابرسی داخلی بازهم چنین رویدادهایی مشاهده می شوند. اینگونه موارد علاوه بر آثار غیرقابل جبران بروضعیت اقتصادی داخل کشور، موجب سلب اعتماد از وجود شفافیت مالی در سطح بین المللی و تأخیر درعضویت مجامع بین المللی می شود. در

www.SID.ir

Archive of SID

چنین وضعیتی سرمایه گذاران خارجی نیز انگیزه لازم برای سرمایه گذاری در ایران را نخواهند داشت .

با توجه به مراتب فوق به نظر می رسد، جهت دستیابی به شفافیت مالی کامل در امور اقتصادی، علاوه بر تدوین و رعایت استانداردهای ملی و مقررات سازمان بورس اوراق بهادار، گزینه های دیگری از جمله رعایت ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و مقررات مربوط به آن نیز باید الزامی شوند. دراین راستا بررسی آثار مقررات حاکمیت شرکتی در نهادهای مالی به ویژه بانکها باتوجه به نوع فعالیت آنها و تأثیر قابل ملاحظه آنها بر اقتصاد کشور و همچنین برامکان ایجاد ارتباط متقابل با بانکها، شرکتها و سرمایه گذاران خارجی باید مورد توجه قرار گیرد.

اکثر شرکتهای ایرانی به ترتیب در ارکان کمیته حسابرسی، حسابرسی داخلی و کنترلهای داخلی ضعف دارند. بنابراین به منظور جهت دهی سرمایه های سرگردان داخل کشور و نیز تشویق سرمایه گذاریهای خارجی و در نهایت گذار از اقتصاد در حال توسعه به اقتصاد توسعه یافته، نیازمند توجه بیشتر به مقوله حاکمیت شرکتی و ساز و کارهای آن بویژه در بخش مالی کشور شامل بانکهای دولتی در حال انتقال به بخش خصوصی و بانکهای تازه تأسیس خصوصی وجود دارد، چرا که سلامت مالی آنها در هنگام بروز بحرانهای مالی در خط مقدم تأثیرپذیری بوده و همین امر میزان نیاز غیرقابل انکار آنها را به موضوع این تحقیق تأیید می کند. لذا در صورت تأیید تأثیر اعمال حاکمیت شرکتی بر ارتقاء سلامت مالی در این تحقیق، می توان با ایجاد یک الگوی مناسب حاکمیت شرکتی در بانکها، آنها را در مقابل آثار و تبعات بحرانهای مالی مصونیت بخشید.

حاکمیت شرکتی کلمه یونانی" Kyberman " به معنی راهنمایی کردن یا اداره کردن می باشد وازکلمه یونانی به کلمه لاتین به "Gubernare" وفرانسه قدیم " Governer"تبدیل شده است. اما این کلمه به راههای مختلف توسط سازمانها یا کمیته ها مطابق علائق ایدئولوژیکی آنها تعریف شده بنحوی که تعریف های موجود از حاکمیت شرکتی در یک طیف وسیع قرار می گیرند. دیدگاه های محدود در یک سو و دیدگاه های گسترده در سوی دیگر طیف قرار دارند. در دیدگاه های محدود، حاکمیت شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود شده که در قالب نظریه نمایندگی بیان می شود. در آن سوی طیف حاکمیت شرکتی را می توان به صورت شبکه ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، تأمین مالی کنندگان و ... وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذینفعان مطرح می شود.

تعاریف زیادی از حاکمیت شرکتی شده است. این تعاریف از نگاه محدود و در عین حال توصیف کننده نقش اساسی حاکمیت شرکتی آغاز و سرانجام به تعریفی گسترده تر خاتمه می یابد که پاسخگویی شرکتی را در برابر ذینفعان و جامعه در بر می گیرد. با توجه به ارتباط موضوع این تحقیق با بانکهای تجاری ایران، تعریف بانک جهانی از حاکمیت شرکتی به شرح زیر ارائه می شود:

"مجموعه ای از روابط بین مدیریت، هیأت مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان شرکت. حاکمیت شرکتی همچنین ساختاری را فراهم می آورد که از طریق آن، اهداف شرکت تدوین و ابزارهای دستیابی به این اهداف و همچنین نحوه نظارت برعملکرد مدیران مشخص می گردد."

تعریف عملیاتی سلامت مالی

بانکهایی که دارای شهرت و نیک نامی بوده، صاحبان آنها از مالکیت آنها رضایت کامل داشته و در بحرانهای مالی دارای ثبات بوده و دچار ازهم گسیختگی مالی نمی شوند و همچنین بانکهایی که دارای حداقل پرونده های سوء استفاده مالی در مراجع قضایی هستند را می توان بانکهای دارای سلامت مالی برشمرد. به منظور سنجش سلامت مالی در این مطالعه از شاخص های پیشنهادی سازمان همکاری و

www.SID.ir

Archive of SID

توسعه اقتصادی (OECD) و نیز صندوق بین المللی پول به شرح زیر استفاده خواهد شد.

۱) نسبت سرمایه به دارایی: این شاخص به عنوان نسبت کفایت سرمایه بانک از حاصل تقسیم حقوق صاحبان سرمایه به مجموع دارایی های بانک بدست می آید.

۲) نسبت بازدهی دارایی ها: این شاخص بعنوان نسبت سودآوری بانک از حاصل تقسیم سود خالص بانک به میانگین حقوق صاحبان سرمایه بانک در هر دوره بدست می آید .

۳) نسبت بازدهی حقوق صاحبان سرمایه :این شاخص بعنوان نسبت سود آوری بانک از حاصل تقسیم سود خالص بانک به میانگین حقوق صاحبان سرمایه بانک در هر دوره بدست می آید.

۴) نسبت خالص تسهیلات به کل دارایی ها : این شاخص بعنوان نسبت سنجش کیفیت دارایی های بانک از حاصل تقسیم خالص تسهیلات اعطایی به مشتریان بر جمع کل دارایی های هر دوره بانک بدست می آید.

۵) نسبت خالص تسهیلات به سپرده ها : این شاخص بعنوان نسبت سنجش کیفیت دارایی های بانک از حاصل تقسیم خالص تسهیلات اعطایی به مشتریان بر جمع کل سپرده های اعطایی در هر دوره بدست می آید.

۶) نسبت تسهیلات سررسید گذشته به جمع ناخالص تسهیلات : این شاخص بعنوان نسبت سنجش کیفیت دارایی های بانک از حاصل تقسیم خالص تسهیلات اعطایی سررسید گذشته (طبق دستورالعمل بانک مرکزی در مورد تعریف مطالبات سررسید گذشته) بر جمع کل تسهیلات اعطایی بانک در هر دوره بدست می آید.

۷) نسبت زیان تسهیلات به خالص درآمد مالی: این شاخص بعنوان نسبت سنجش کیفیت دارایی های بانک از حاصل تقسیم زیان حاصل از مطالبات مشکوک الوصول و سوخت شده ناشی از تسهیلات اعطایی به عایدات دریافتی (درآمد مالی تسهیلات) بدست می آید.

۸) نسبت دارایی های نقد شونده به کل دارایی ها: این شاخص بعنوان نسبت نقدشوندگی از حاصل تقسیم وجه نقد و معادل وجه نقد (دارایی های سریع التبدیل به وجه نقد) بر حاصل جمع کل دارایی‌های بانک در هر دوره بدست می آید.

تعریف عملیاتی ویژگیهای حاکمیت شرکتی مورد استفاده در این تحقیق به شرح زیر می باشد:

۱) تمرکز مالکیت[۱] مجموع درصد تملک سهامدارانی که حداقل پنج درصد سهام شرکت را در اختیار دارند (سهامداران عمده) تمرکز مالکیت در خصوص بنگاه های اقتصادی که سهام آنها در بورس عرضه و معامله می شود این نسبت از مقایسه درصد سهام شناور آزاد آن بنگاه نسبت به میانگین سهام شناور آزاد کل شرکتها بدست می آید. در خصوص بنگاه هایی که سهام آنها در بورس معامله نمی شود، درصد تملک سهام داران (در اختیار دولت) مدنظر قرار می گیرد.

۲) مالکیت نهادی[۲] - مجموع درصد سهام شرکت که متعلق به بانکها، بیمه ها، نهادهای مالی، شرکتهای هلدنیگ، سازمان‌ها و نهادها و شرکت‌های دولتی می‌باشد. شرکت‌هایی دارای مالکیت نهادی هستند که سهام آنها در اختیار سرمایه گذاران نهادی شامل بانکها، شرکتهای سرمایه گذاری، بیمه، دولت و مؤسسات دولتی و نیمه دولتی و کل سهام داران حقوقی باشد (نمازی و همکاران ،۱۳۸۸: ۱۱۴). برای محاسبه درصد مالکیت نهادی بانکها، تعداد سهام مالکان نهادی بر کل سهام (سرمایه) بانک تقسیم می شود.

۳) نفود مدیر عامل[۳] اگر رئیس هیأت مدیره عضو موظف هیأت مدیر باشد ممکن است تحت تأثیر مدیرعامل قرار گیرد. قانون گذاران حاکمیت شرکتی به این موضوع رسیده اند که

www.SID.ir

Archive of SID

مدیر عامل به عنوان منبعی از قدرت اجرایی برهیأت مدیره نفوذ دارد. پس بهتراست رئیس هیأت مدیره به عنوان ناظر بر کارهای مدیر عامل از خارج شرکت انتخاب و عضو غیر موظف باشد.

۴) دوگانگی وظیفه مدیر عامل[۴] اگر مدیر عامل رئیس هیأت مدیره نیز باشد، به این وضعیت دوگانگی وظیفه مدیر عامل اطلاق می گردد. در این حالت مدیر عامل بطور بالقوه اختیار بیشتری دارد. ساختار دوگانه همچنین به مدیر عامل اجازه می دهد تا اطلاعات در دسترس سایر اعضاء هیأت مدیره رابطور مؤثری کنترل کند و بنابراین ممکن است از نظارت مؤثر جلوگیری بعمل آورد.

۵) اندازه هیأت مدیره[۵] از نظر نمایندگی می توان استدلال نمود که یک هیأت مدیره بزرگتر به احتمال قوی نسبت به مشکلات نمایندگی هوشیار است، زیرا تعداد بیشتری از افراد کارهای مدیریت را تحت نظر خواهندداشت. هیأت مدیره های بزرگتر مسئولیت ها را به کمیته های هیأت مدیره تفویض نموده و از این طریق منافع نظارتی بیشتری فراهم می آید.

احتمال قوی نسبت به مشکلات نمایندگی هوشیار است، زیرا تعداد بیشتری از افراد کارهای مدیریت را تحت نظر خواهندداشت. هیأت مدیره های بزرگتر مسئولیت ها را به کمیته های هیأت مدیره تفویض نموده و از این طریق منافع نظارتی بیشتری فراهم می آید.

۶) استقلال هیأت مدیره[۶] مسئولیت اصلی هیأت مدیره ایجاد راهبری کارآمد برامور شرکت در راستای منافع سهامداران و تعادل در منافع ذینفعان مختلف آن از جمله مشتریان، کارکنان، سرمایه گذاران و جوامع محلی می باشد. در کلیه اقدامات هیأت مدیره از آنها انتظار می رود که تصمیمات خود را چنان اتخاذ کنند که منطقاً معتقدند بهترین منافع شرکت در آن است.

هیأت مدیره در ایفای این تعهد می تواند به صداقت و درستکاری عوامل ارشد اجرایی و مشاوران و حسابرسان مستقل آن تکیه کند. همه هیأت مدیره ها ناظران هوشیار مدیریت شرکت نیستند. اکثر اعضاء هیأت مدیره باید غیرموظف باشند تا استقلال بیشتری داشته باشند.

۷) اتکا بربدهی[۷] به عنوان یک ویژگی حاکمیتی، برمبنای این دیدگاه است که بستانکاران برعملکرد مدیریت نظارت و آن را ارزیابی می‌کنند.

۸) مدت زمان تصدی مدیر عامل در هیأت مدیره[۸] مدیر عامل در جایگاهی است که ترکیب هیأت مدیره را کنترل می کند و بنابراین توانایی نظارت توسط هیأت مدیره را کاهش می دهد. از آنجایی که در صورت افزایش تصدی مدیر عامل، جایگاه مدیر عامل ممکن است ثبات و قدرت بیشتری پیدا کند. لذا احتمال کمتری دارد که منافع سهامداران را دنبال نماید.

۹) کیفیت حسابرسی مستقل۹ کیفیت حسابرسی که بصورت مستقیم با حاکمیت شرکتی و ساز و کارهای نظارتی در ارتباط است دارای یک ساختار پنهان و چند بعدی است. بنابراین تعریف جامعی از کیفیت حسابرسی که در برگیرنده همه انواع حسابرسی و حسابرس باشد وجود ندارد ازاین رو معیارهایی نظیر اندازه مؤسسات حسابرسی، قدمت و نام تجاری و سوابق تحصیلی و حرفه ای شرکای آنها به عنوان جانشینی برای کیفیت حسابرسی مستقل در نظر گرفته می شود.

پیشینه پژوهش

حساس یگانه و روح الله صدیقی(۱۳۸۷)، با اشاره به مطالعات خارجی در زمینه حاکمیت شرکتی نشان دادند که ساختار مالکیت بانکها و نقش بنیادی آنها در اقتصاد ملی، یک تغییر حیاتی در فرآیند توسعه مالی و

www.SID.ir

Archive of SID

رشد اقتصادی است. همچنین این مطالعات نشان داده است که حضور بانکهای خارجی به کاهش احتمال بحران در بانکداری منتهی می شود. نویسندگان مقاله معتقدند که ماهیت ویژه مؤسسات بانکداری، در جایی که قوانین فعالیت های بانکداری ملزم به حمایت از سپرده گذاران می باشد، مستلزم اتخاذ یک دیدگاه وسیع نسبت به حاکمیت شرکتی است

حساس یگانه و تاجیک (۱۳۸۷) نقش هیأت مدیره در تأمین منابع برای شرکت و نقش آن در اتخاذ تصمیم های راهبردی در قالب تئوریهای وابستگی به منابع یا تئوری نهادی و تئوری انتخاب راهبردی را بررسی کردند.

وکیلی فرد و گودرزی اهمیت حاکمیت شرکتی در بانکها و مؤسسات اعتباری را مورد تأکید قرارداده و چهار مدل حاکمیت شرکتی شامل: مدل مالی، مدل مباشرتی، مدل ذینفع و مدل سیاسی. را برشمردند همچنین در این مقاله افشا و شفافیت در حاکمیت شرکتی مهمترین بخش حاکمیت شرکتی به شمار آمده است.

مکرمی(۱۳۸۵) با بیان ساختار نوین حاکمیت شرکتی و ارزش آفرینی برای همه ذینفعان به عنوان شرط اصلی در کارکرد بنگاه، مسئولیت ارزیابی نظام حاکمیت شرکتی و خروج مدیران از مقررات تعیین شده را متوجه سهامداران نهادی می داند.

مشایخ و اسماعیلی(۱۳۸۵) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت سود و درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره و تعداد اعضاء غیرموظف هیأت مدیره رابطه وجود ندارد. اما رابطه ای غیرخطی بین اقلام تعهدی و درصد مالکیت اعضاء هیأت مدیره مشاهده شد.

هو و وونگ(Ho and wong 2001) پی بردند که شرکتهای بزرگی که دارای کمیته حسابرسی هستند، اطلاعات بیشتری را به صورت اختیاری افشا می کنند.

پیوتروسکی و اسمیت (۲۰۰۳)، چارچوبی برای مفهومی کردن و اندازه گیری شفافیت شرکتها تدوین کرده اند که طبق آن شفافیت شرکتها دارای سه عنصر اصلی می باشد که عبارتند از: گزارشگری مالی، انتشار اطلاعات از طریق رسانه ها و اینترنت و کسب اطلاعات محرمانه و ارسال آن از طریق تحلیل گران مالی، سرمایه گذاران نهادی و افراد داخل شرکت.

جانسون و همکاران(۱۹۹۶) نقش هدایتی و نظارتی هیأت مدیره را تحت عنوان "نقش کنترلی هیأت مدیره" تفسیر نموده اند. در مقابل نقش کنترلی مذکور، نقش دیگری که در ادبیات حاکمیت شرکتی برای هیأت مدیره مطرح شده، نقش تأمین منابع اساسی برای شرکت(از طریق روابط اعضاء هیأت مدیره با محیط بیرونی شرکت) می باشد

اراس و کروثر(۲۰۰۸) در تحقیقی به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و پایندگی پرداختند. در کلی ترین تعریف برای پایندگی به اثر یک اقدام فعلی بر گزینه های موجود در آینده اشاره می شود. اگر منابع در زمان فعلی استفاده شوند و این منابع برای استفاده در آینده بیش از این در دسترس نباشند، این نگرانی وجود دارد که آیا مقدار این منابع محدود هستند یا خیر. اراس و کروثر در پی چهار جزء پایندگی در چارچوب حاکمیت شرکتی بودند.

آلن و کوالفسکی(۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که ساز و کار نظارتی اتحادیه اروپا بر معاملات بین المللی بانک ها در میان این کشورها و در میان شرکت های عضو گروه بانکها نمی تواند مخاطرات ایجاد شده در آن کشورها را شناسایی نماید و در نتیجه اثر مهمی در ایجاد بحران مالی جهانی دارد. به بیان دیگر ناظران در هر کشور لازم است اقدامات پیشگرانه به منظور صحت سلامت مالی بانکهای خود را به اجرا بگذارند و مانع انجام مبادلات بین گروهی شوند که امنیت واحدهای تجاری فرعی خارجی را به خطر می اندازند.

آلن و دیگران (۲۰۱۴) نقش حاکمیت شرکتی در ناکامی بانک ها در طی دوره بحران مالی را بررسی کردند. در این مطالعه تاثیر ساختار مالکیت و مدیریت بانک، بر روی احتمال ناکامی بانک های تجاری آمریکا بررسی شد و نتایج نشان داد که ساختار مالکیت بانک عامل تاثیر گذاری بر روی ناکامی بانک است. میزان سهام دار بودن مدیران سطح پایین تر نظر نائب رئیس (هیات مدیره) ریسک ناکامی را به میزان قابل ملاحظه

www.SID.ir

Archive of SID

ای افزایش می دهد. در مقابل، سهام دار بودن مدیران اجرایی و اعضای غیر موظف تاثیری بر احتمال ناکامی بانک نمی گذارد.

در مطالعه پنی و واهاما (۲۰۱۱) اثرات حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک های امریکایی در طی بحران مالی سال ۲۰۰۸ را بررسی کردند.

در مطالعه لین و کنیشی (۲۰۱۴) تاثیر مالکیت بانک و سازو کارهای حاکمیتی آن بر سرمایه بانک را بررسی کرده اند.

آنها با استفاده از اطلاعات بانک های تجاری ژاپنی در دوره بکارگیری دستورالعمل بال۲ (۲۰۰۷-۲۰۱۲)تاثیر ساختار مالکیت و مدیریت بانک بر سطح سرمایه بانک را بررسی کردند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که مالکیت نهادی و مالکیت برون مرزی منجر به سطح بالاتری از سرمایه به منظور پذیرش ریسک خواهد شد. همچنین اندازه هیات مدیره، اعضای هیات مدیره مستقل و غیر موظف بر سطح سرمایه اثر گذارند و این موضوع بیانگر محافظه کاری این قبیل اعضای هیات مدیره در حفظ سطوح بالاتر سرمایه به منظور آمادگی در مقابل زیانهای غیر منتظره است.

تریپ (۲۰۱۰) سلامت مالی بانک های کشور نیوزلند در سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ را با استفاده از مدلهای تحلیل پوششی داده ها بررسی نمود. نتایج این مطالعه نشان داد که از میان مدل های سنجش کارایی برحسب سودآوری بانک ها مدل مازاد مبنا، مناسب ترین مدل تحلیل پوششی می باشد.

کیان وینگ (۲۰۱۴) با بررسی کارآمدی بانک ها نشان دادند که در بانکهای دولتی ناکارآمد (چین) سهام داران شرکتی قادرند تا به تسهیلات بانکی از طرق متعدد دستیابی پیدا کنند و این موضوع توانایی نظم بخشی بر بازار سرمایه را تحت تاثیر منفی قرار خواهد داد. این یافته ها حکایت از آن دارند که از طریق راه های دسترسی به تسهیلات (موسوم به تونل زنی) تامین مالی بانکی موجب تاثیر بر عملکرد شرکت ها می شود. این یافته ها ... افزایش کارایی بانکی را یادآور می سازند.

سیه و همکاران (۲۰۱۳) تاثیر تنوع سازی فعالیت های بانک آسیایی در طی سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۹ را بر ثبات آن ها بررسی کردند. معیار تنوع سازی در این بانک ها بر حسب دارایی ها و سودآوری بوده است. شواهد نشان دهنده عدم تنوع سازی کافی دارایی ها در بانک های آسیایی است. شواهد بیشتر نشان می دهند که هرچه سطح حاکمیت شرکتی در کشورهای آسیایی افزایش می یابد، مشکلات نمایندگی کاهش می یابد و با افزایش تنوع سازی، ثبات بانکی بیشتر می شود.

۳- روش شناسی پژوهش

از نظر فرآیند اجرا، پژوهش از نوع پژوهش های ترکیبی است زیرا ماهیت و گستردگی آن به گونه ای است که نمی توان تنها از یکی از شیوه های کمی یا کیفی استفاده نمود.

از نظر منطق اجرا، پژوهش حاضر از نوع پژوهش های استقرایی است که براساس یافته های حاصل از مشاهدات و تجارب قبلی، اقدام به ارائه الگو و فرضیه می نماید.

از نظر زمان انجام، پژوهش حاضر از نوع پژوهشهای گذشته نگر می باشد. در این نوع پژوهش، مطالعه براساس مشاهده یک معلول در زمان حال آغاز و گذشته برای شناسایی روابط و علت های احتمالی، مورد بررسی قرار می گیرد.

از نظر هدف، این پژوهش از نوع پژوهش های تحلیلی می باشد که از نظر تقسیم بندی آن در پژوهش های تحلیلی، یک پژوهش همبستگی است زیرا هدف آن اینست که مشخص شود آیا رابطه ای بین دو یا چند متغیر کمی (قابل سنجش) وجود دارد یا خیر. با توجه به اینکه در این تحقیق علاوه بر متغیرهای کمی از متغیرهای کیفی هم استفاده می شود.

تحقیق حاضر از نوع کاربردی بوده و طرح آن از نوع شبه تجربی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی است. متغیرهای تحقیق از طریق صورتهای مالی و اطلاعات بانکهای تجاری استخراج شده است. طرح

www.SID.ir

Archive of SID

تحقیق از نوع نیمه تجربی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی از طریق اطلاعات گذشته است. محقق از یک طرح پس از رخداد یا نیمه تجربی استفاده نموده که داده ها از محیطی که به گونه ای طبیعی وجود داشته باشد فراهم شود و یا واقعه ای که بدون دخالت مستقیم محقق رخ داده است ،به وجود آمده باشد (عبدالحلیق و آجین کیا ،۳۹:۱۳۸۹)

جامعه آماری این تحقیق بانکهای تجاری ایران می باشد. با توجه به اینکه تعداد این بانکها در ایران زیاد نمی باشد. بنابراین کل جامعه آماری مورد مطالعه قرار گرفته است. این بانکها عبارتند از :بانکهای تجاری دولتی(بانک سپه، پست بانک، بانک ملی) و بانکهای تجاری غیر دولتی(بانک اقتصاد نوین- بانک پارسیان- بانک کارآفرین- بانک سامان- بانک پاسارگاد- بانک سرمایه- بانک سینا- بانک شهر- بانک دی- بانک انصار- بانک تجارت- بانک رفاه کارگران- بانک صادرات ایران- بانک ملت – بانک حکمت ایرانیان – بانک گردشگری – بانک ایران زمین – بانک قوامین – بانک خاورمیانه - بانک آینده – بانک مهراقتصاد) در انجام این تحقیق، داده های اولیه، پس از استخراج وارد نرم افزار اکسل شده تا با انجام آن برخی محاسبات مورد نیاز برای مطالعه بدست آید. برای تحلیل داده ها از آمار توصیفی(میانگین، میانه ،انحراف معیار) و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه های تحقیق به همراه نتایج آن با توجه به خروجیهای بدست آمده از نرم افزار Eviews انجام شده است .در نهایت برای تعیین اثرات متقابل از طریق معادلات ساختاری از نرم افزار لیزرل استفاده شده است .

۴- نتایج پژوهش

اطلاعات حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها در قالب آمار توصیفی و همبستگی پیرسون در جداول شماره ۲ و ۳ ارائه شده است. حروف اختصاری ارائه شده در جداول مزبور برای شاخص های سلامت مالی و ویژگیهای حاکمیت شرکتی در جدول شماره یک ارائه شده است.

خلاصه نتایج آزمونهای فرضیه‌های تحقیق به تفکیک بانکهای دولتی و غیردولتی در جدول شماره۴ منعکس شده است.

جدول شماره ۱- تعریف حروف اختصاری شاخص های سلامت مالی و ویژگیهای حاکمیت شرکتی

debt :	نسبت بدهی ها به دارایی ها
Noboard :	تعداد اعضای هیأت مدیره
Auage :	قدمت مؤسسه حسابرسی
Aumanageno :	تعداد مدیران مؤسسات حسابرسی موضوع تحقیق
roa :	بازده دارایی ها
Roa :	نسبت خالص تسهیلات اعطایی به کل به دارایی ها
LpL :	نسبت مطالبات سر رسید گذشته و معوق به خالص تسهیلات اعطایی
Liqa :	نسبت دارایی های نقد شونده به جمع دارایی ها
Concen :	نسبت تمرکز مالکیت
Instit :	مالکیت نهادی
dual :	دوگانگی وظیفه رییس هیأت مدیره و مدیر عامل
Ceoyear:	مدت زمان تصدی مدیر عامل بانک
Auqgrade :	رتبه کنترل کیفی مؤسسات حسابرسی موضوع تحقیق
Captass :	نسبت سرمایه به دارایی
roe :	بازده سرمایه
Lod :	نسبت خالص تسهیلات اعطایی به مجموع سپرده ها
Lpi :	نسبت مطالبات مشکوک الوصول به سود تسهیلات اعطایی(درآمد مالی)
extoni :	نسبت هزینه ها به سود خالص
Ceoim :	درجه نفوذ مدیر عامل

www.SID.ir

Archive of SID

جدول شماره ۲- آماره توصیفی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	میانه	حداکثر	حداقل	چولگی	کشیدگی	میانگین های بانکهای دولتی	میانگین های بانکهای خصوصی
نسبت بدهی به دارایی	۰/۸۷	۰/۱۴	۰/۹۲	۰/۲۰	۰/۹۹	-۲/۸	۸/۵	۰/۹۴	۰/۸۵
تمرکز مالکیت	۰/۵۶	۰/۳۴	۰/۶۳	۰/۱۰۰	۰	-۰/۰۹	-۱/۴	۰/۱۰۰	۰/۴۴
مالکیت نهادی	۰/۴۷	۰/۳۴	۰/۴۱	۰/۱۰۰	۰/۰۵	۰/۳۵	-۱/۳۶	۰/۹۷	۰/۳۳
دوگانگی وظایف هیئت مدیره و رئیس هیئت مدیره	۰/۳۳	۰/۴۷	۰	۰	۱	۰/۶۹	-۱/۵۵	۱	۰/۳۶
تعداد اعضای هیئت مدیره	۵/۸۲	۱/۶۵	۵	۱۲	۳	۱/۹۳	۶/۱۱	۵/۳	۵/۹
قدمت حسابرسی	۲۳/۷	۹/۹۱	۳۰	۳۳	۷	-۰/۶۶	-۱/۴۱	۳۰/۵	۲۱/۸۷
تعداد مدیران مؤسسه حسابرسی	۳۲	۲۶/۷	۱۲	۶۰	۳	۰/۰۹	-۲/۰۲	۶۰	۲۴/۳
بازده دارایی ها	۰/۰۱۷	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴	۰/۰۶۲	-۰/۰۰۳	۰/۹۶۳	۰/۵۳	۰/۰۰۴	۰/۰۲۱
بازده سرمایه	۰/۱۶	۰/۱۱	۰/۱۷	۰/۳۹	-۰/۱۱	-۰/۳۶	-۰/۷۵	۰/۰۲۹	۰/۱۹
نسبت خالص تسهیلات به جمع دارایی ها	٪۵۱	۰/۲۸	۰/۷۸	۱/۵۷	۰	-۰/۴۳	۱/۸۸	۰/۸۶	۰/۷۰
نسبت خالص تسهیلات به جمع سپرده ها	۰/۷۳	۰/۲۸	۰/۷۸	۱/۵۷	۰	-۰/۴۳	۱/۸۸	۰/۵۹	۰/۴۹
نسبت مطالبات معوق به خالص تسهیلات اعطایی	۰/۱۵	۰/۱۰	۰/۱۵	۰/۴۱	۰	۰/۲۲	-۰/۷۲	۰/۲۳	۰/۱۳
نسبت مطالبات مشکوک الوصول به درآمد مالی	۰/۶۳	۰/۶۳	۰/۳۸	۲/۱۹	۰	۰/۵۷	-۱/۱	۰/۴۷	۰/۳۹
نسبت دارایی نقد شونده به جمع دارایی ها	۰/۲۲	۰/۱۴	۰/۲۰	۰/۸۳	۰/۰۲	۲/۵۶	۸/۴۴	۰/۱۵	۰/۲۴
نسبت هزینه ها به سود خالص	۱۱/۱	۳۳/۶	۱/۶۵	۱۸۲	-۸۰	۳	۱۳/۶۸	۴۱/۱۹	۲/۶

جدول شماره ۳- همبستگی پیرسون میان متغیر های مستقل و وابسته تحقیق

	roa	loa	LPL	captass	roe	lod	liqa	extoni
Concen	-۰/۶۳**	۰/۲۹*	۰/۲۸*	-۰/۵۱**	-۰/۳۸**	۰/۲۴*	-۰/۳**	۰/۳۳**
Intit	-۰/۶۶**	۰/۳۳**	۰/۳۲**	-۰/۴۳**	-۰/۵**	۰/۲۵*	-۰/۲۹*	۴**
debt	-۰/۴۹**	۰/۶۱**	۰/۵۱**	-۱**	۰/۱۳	۰/۲۶*	-۰/۴۴**	۱۲
auage	-۰/۴۲**	۰/۰۹	۰/۰۷	-۰/۳۴**	-۰/۲۶**	۰/۰۴	-۰/۱۶	۰/
aumanageno	-۰/۶۲**	۰/۳۲**	۰/۲۵*	-۰/۴۳**	-۰/۴۶**	۰/۲۲	-۰/۳**	۰/
auqgrade	۰/۶۴**	-۰/۲۴**	-۰/۲۶*	۰/۴۱**	۰/۳۹**	-۰/۱۸	۰/۲۵*	-۰/۳۸
dual	-۰/۵۷**	۰/۱۸	۰/۳۱**	-۰/۳۸**	-۰/۴۸**	۰/۲۱	-۰/۲۵*	۰/۳۶
noboard	۰/۴۳**	۰/۰۲	۰	۰/۱۲	۰/۴۴**	-۰/۰۲	۰/۱۸	-۰/
ceoyear	۰/۱۶	۰/۰۵	۰/۱۲	-۰/۰۸	۰/۲۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/
ceoim	-۰/۳۲**	۰/۰۱	۰/۰۵	-۰/۱۲	-۰/۴۳**	۰/۲۲	۰/۲۷*	۰/۴

*همبستگی در سطح اطمینان ٪۹۵ **همبستگی در سطح اطمینان ٪۹۰

جدول شماره ۴- خلاصه ای از نتایج آزمونهای فرضیه های تحقیق به تفکیک نوع مالکیت

ردیف	موضوع فرضیه		نتایج آزمون بر حسب مالکیت
۱	ارتباط شاخص بازدهی دارایی (شاخص سودآوری) و شاخص های حاکمیت شرکتی	دولتی	ارتباط منفی معنی داری با مالکیت نهادی دارد
		غیر دولتی	ارتباط منفی معنی داری با مالکیت نهادی دارد ارتباط مثبت معنی داری با قدمت مؤسسه حسابرسی دارد
۲	ارتباط شاخص بازدهی سرمایه (شاخص سود آوری)و شاخص های حاکمیت شرکتی	دولتی	تعداد مدیران و رتبه مؤسسه حسابرسی، نفوذ مدیر عامل دارای ارتباط مثبت و مالکیت نهادی دارای رابطه

www.SID.ir

Archive of SID

ردیف	موضوع فرضیه	نتایج آزمون بر حسب مالکیت	
			منفی هستند
		غیر دولتی	تعداد اعضای هیأت مدیره دارای رابطه مثبت است
۳	ارتباط شاخص سرمایه به دارایی(شاخص کفایت سرمایه)و شاخص های حاکمیت شرکتی	دولتی	تعداد مدیران و رتبه مؤسسه حسابرسی دارای رابطه منفی و تعداد اعضای هیأت مدیره دارای رابطه مثبت است.
		غیر دولتی	شواهد معنی داری گزارش نشده است
۴	ارتباط شاخص خالص تسهیلات اعطایی(شاخص کیفیت دارایی)به دارایی و شاخص های حاکمیت شرکتی	دولتی	قدمت مؤسسه حسابرسی دارای رابطه منفی است
		غیر دولتی	شواهد معنی داری گزارش نشده است
۵	ارتباط شاخص نسبت هزینه به سود خالص (شاخص کارایی)و شاخص های حاکمیت شرکتی	دولتی	شواهد معنی داری گزارش نشده است
		غیر دولتی	قدمت مؤسسه حسابرسی و تعداد اعضای هیأت مدیره دارای رابطه منفی و تعداد مدیران حسابرسی دارای رابطه مثبت است
۶	ارتباط شاخص نسبت دارایی نقد شونده (شاخص نقد شوندگی)و شاخص های حاکمیت شرکتی	دولتی	شواهد معنی داری گزارش نشده است
		غیر دولتی	مالکان نهادی دارای رابطه معنی دار مثبت است
۷	ارتباط شاخص نسبت خالص تسهیلات اعطایی(شاخص کیفیت سپرده ها)و شاخص های حاکمیت شرکتی	دولتی	شواهد معنی داری گزارش نشده است
		غیر دولتی	شواهد معنی داری گزارش نشده است
۸	ارتباط شاخص نسبت مطالبات مشکوک الوصول به سود تسهیلات اعطایی (شاخص کیفیت دارایی) و شاخص های حاکمیت شرکتی	غیر دولتی	شواهد معنی داری گزارش نشده است
		دولتی	نفوذ مدیر عامل دارای رابطه منفی و دوگانگی و مالکیت نهادی دارای رابطه مثبت هستند

۴-۱- تحلیل نتایج بر حسب فرضیه های تحقیق

- **شاخص‌های حاکمیت شرکتی و بازدهی دارایی‌ها**

نتایج این فرضیه نشان داد که در سطح بانکهای تجاری شاخص های نفوذ مدیر عامل، سهام داران نهادی و تعداد اعضای هیأت مدیره با شاخص بازدهی دارایی ها دارای رابطه معنی دار هستند. در عین حال از این شاخص های حاکمیت شرکتی تنها شاخص مالکیت نهادی دارای رابطه منفی است و دو شاخص دیگر رابطه مثبت را نشان می دهند. با توجه به این که شواهد بیشتر در سطح بانکهای دولتی و غیر دولتی نیز وجود رابطه منفی معنی دار میان شاخص مالکیت نهادی و بازدهی دارایی ها را نشان می دهد، می توان استنباط نمود که مالکیت نهادی در سطح بانکهای تجاری منجر به بهبود وضعیت سود آوری (بازدهی دارایی های بانکها) نشده است. این موضوع بر خلاف ویژگی نهاد گرایی در بنگاه های اقتصادی است که طبق آن مالکان نهادی به عنوان یک ساز و کار کنترلی خارجی مهم و مؤثر بر حاکمیت شرکتی در دنیا تلقی می شود. در عین حال این موضوع که در بانکهای دولتی مالکان نهادی در حقیقت دولت و نهاد های دولتی محسوب می شوند و در نتیجه نظارت مؤثر در کسب سود آوری بانکها را ندارند مورد انتظار بوده است. در مطالعات پیشین (آلن و دیگران، ۲۰۱۴) نیز مورد تائید قرار می دهد که ساختار مالکیت بر احتمال ناکامی بانکهای تجاری موثر است. به بیان دیگر همسویی مدیران و مالکان احتمال ناکامی و کاهش سود آوری و اعطای وام های ناکارآمد را افزایش می دهد. شدت رابطه منفی در بانکهای دولتی با ضریب (۰/۰۷۴) بیش از بانکهای خصوصی (با ضریب ۰/۵-) است، اما در عین حال قضاوت در خصوص معنی داری اختلاف این نتایج نیازمند بررسی های بیشتری است .

www.SID.ir

Archive of SID

همچنین سایر شواهد نشان می دهد که تعداد اعضای هیأت مدیره و نفوذ مدیر عامل بربازدهی دارایی های بانکها دارای اثر مثبت معنی داری هستند. در واقع وجود ارتباط مثبت میان تعداد اعضای هیأت مدیره و بازدهی در سطح بانکهای تجاری مطابق با انتظارات است و شواهد دیگر نیز وجود این ارتباط را تائید کرده است. به عنوان نمونه گراسا و متوسی (۲۰۱۴) نشان دادند که اعضای هیأت و مدیره ویژگیهای مدیران در کشور های حوزه خلیج فارس و کشور های حوزه جنوب شرق آسیا از جمله ارکان حاکمیت شرکتی قابل توجه در نظر گرفته می شوند. در واقع تعداد اعضای هیأت مدیره این فرضیه را تقویت می‌کند که هیأت مدیره سطح نظارت بر مدیریت ارشد بانک را افزایش می دهد و در نتیجه نقش حاکمیتی خود را افزایش می دهد. این موضوع سازگار با توصیه های OECD در راستای انتخاب مدیران ذیصلاح در مدیریت عالی بانکها است .

تجزیه و تحلیل بیشتر در سطح بانکهای غیر دولتی نشان می‌دهد که متغیر قدمت مؤسسه حسابرسی بانک دارای رابطه مثبت معنی دار با بازده دارایی ها است. این یافته ها در سطح بانکهای دولتی گزارش نشده است هر چند در سطح بانکهای دولتی حسابرسی اکثریت این بانکها را سازمان حسابرسی بر عهده داشته است، در عین حال وجود این رابطه می تواند بر نقش اعتبار موسسات حسابرسی در افزایش کیفیت فرایند نظارت بر نظام گزارشگری مالی این بانکها تأکید نماید. هر چند عدم معنی داری سایر شاخص های سنجش کیفیت حسابرسی، نتایج بدست آمده از حیث کیفیت حسابرسی را مورد تأکید قرار نمی دهد. در خصوص نفوذ مدیر عامل، این نتایج مؤید نقش اعضای غیر موظف در ساختار هیأت مدیره و در سطح ریاست این هیأت نیست.

- **شاخص‌های حاکمیت شرکتی و بازدهی سرمایه**

نتایج اولیه در سطح بانکهای تجاری نشان می دهد شاخص های نفوذ مدیر عامل، تمرکز مالکیت و دوگانگی وظیفه مدیر عامل و رییس هیأت مدیره دارای رابطه معنی داری با بازدهی سرمایه بوده اند. ارتباط میان تمرکز مدیریت و شاخص بازده سرمایه مثبت است (ضریب ۰/۱۹) و این مطلب نشان می دهد با افزایش درجه تمرکز شاخص بازدهی نیز افزایش می یابد. در مطالعه مشابهی تقوی و همکاران (۱۳۹۲) شواهدی را گزارش کردند که طبق آن تمرکز مالکیت بر حسب نوع مالکیت دولتی و خصوصی به ترتیب دارای آثار منفی و مثبت بر سود آوری بانکها بوده است. بر آیند نتایج بدست آمده در این مطالعه حکایت از وجود رابطه مثبت معنی دار میان این دو شاخص بوده است. هر چند این شواهد مطابق با نتایج بدست آمده در بخش قبل (یعنی رابطه شاخص بازدهی و مالکیت نهادی) نیست، اما در عین حال نشان می دهد که با افزایش تمرکز مالکیت نسبت بازدهی سرمایه افزایش می یابد. بررسی بیشتر بر حسب نوع مالکیت بانک نتایج مطالعه تقوی و دیگران (۱۳۹۲)را تائید می کند. در اینجا شواهد جدیدی مبنی بر رابطه منفی معنی دار میان دوگانگی وظیفه مدیر عامل و رییس هیأت مدیره و شاخص بازدهی سرمایه گزارش شده است. این نتایج نشان می دهد که تفکیک وظایف مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره موجب بهبود وضعیت سود آوری بنگاه های اقتصادی می شود. این یافته ها مطابق با نگرش عدم تمرکز قدرت به عنوان ابزاری اثر بخش در افزایش نظارت هیأت مدیره است که موجب شفافیت بیشتر و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می شود (آل بحرینی و گرکو، ۲۰۱۳). یعقوبی و اقبال (۱۳۹۲) نیز نشان دادند که در شرکتهای بزرگ پذیرفته شده در بورس اوراق بهادر تهران رابطه منفی معنی داری میان این دو متغیر وجود دارد. این موضوع مطابق با نظریه های نمایندگی است که بر طبق آن تفکیک و ظیفه مدیر عامل و رییس هیأت مدیره نظارت مؤثر توسط هیأت مدیره را بهبود می بخشد .

یعقوبی، مهدی و مریم اقبال (۱۳۹۲)." بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت : آزمون مجدد تئوری نمایندگی در شرکتهای فعال در بازار

www.SID.ir

Archive of SID

بورس اوراق بهادر تهران"، دوازدهمین همایش ملی حسابداری ایران، مشهد.نتایج مشابهی نیز در خصوص وجود ارتباط مثبت معنی دار میان نفوذ مدیر عامل و بازدهی دارایی ها گزارش شده است که مؤید نقش اعضای غیر موظف در ساختار هیأت مدیره و در سطح ریاست این هیأت نیست. این شواهد در سطح بانکهای دولتی تائید شده است و به نوعی نشان می دَهد که اثر نفوذ مدیر عامل در بانکهای دولتی بیش از سایر بانکها بوده است. همچنین شواهدی مشابه در خصوص ارتباط منفی میان متغیر مالکیت نهادی و شاخص بازدهی سرمایه در سطح بانکهای دولتی گزارش شده است و مطابق با نتایج بدست آمده در فرضیه قبلی است. این موضوع در مطالعات گذشته نیز مورد تأکید قرار گرفته است. آلن و دیگران (۲۰۱۴) نشان دادند که ساختار مالکیت بر احتمال ناکامی بانکهای تجاری موثر است. همانند مطالعه گراسا و متوسی در اینجا نیز شواهدی مبنی بر ارتباط مثبت میان تعداد اعضای هیـأت مدیره و بازدهی سرمایه بانکهای غیر دولتی گزارش شده است. در اینجا در سطح بانکهای دولتی شواهد جدیدی نیز گزارش شده که نشان می دهد دو متغیر سنجش کیفیت حسابرسی (تعدد مدیران و رتبه مؤسسه حسابرسی) دارای رابطه مثبت معنی دار با بازده سرمایه هستند. این شواهد می تواند بر نقش اعتبار مؤسسات حسابرسی در افزایش کیفیت فزاینده نظارت بر نظام گزارشگری مالی این بانکها تأکید نماید.

- **شاخص‌های حاکمیت شرکتی و نسبت سرمایه به دارایی**

نتایج اولیه در سطح بانکهای تجاری نشان می هد که شاخص های نفوذ مدیر عامل رابطه ای مثبت و معنی دار و شاخص های تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی رابطه ای منفی و معنی دار با نسبت سرمایه به دارایی را گزارش می کنند. شاخص کفایت سرمایه که در واقع دارای استانداردی جهانی است تحت تأثیر برخی شاخص های حاکمیت شرکتی قرار می گیرد، به گونه ای که با افزایش درجه نفوذ مدیر عامل، این نسبت بیشتر و با افزایش نسبتهای تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی این نسبت کاهش می یابد. این یافته ها مطابق با نتایج مطالعه چالرم چاتویچن[1] و همکاران (۲۰۱۱) نمی باشد. آنها نشان دادند که افزایش در تمرکز مالکیت در بانکهای آسیایی جنوب شرق آسیا موجب افزایش نسبت کفایت سرمایه خواهد شد. در واقع این یافته ها نشان می دهند تنوع مالکیت در بانکها موجب کاهش نسبت کفایت سرمایه خواهد شد. این دیدگاه از نظر مبانی دارای پشتوانه است .به گونه ای که کاهش تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی، مدیران بانکها را به کاهش سطح کفایت سرمایه (و یا به عبارتی پذیرش ریسک بیشتر) وادار می کند، همچنین یافته های بیشتر نشان می دهد که شاخص نفوذ مدیر عامل موجب افزایش درجه احتیاط و افزایش شاخص کفایت سرمایه خواهد شد. این نتیجه نیز نشان می دهد که مدیران بانکها با افزایش درجه نفوذ اقدام به افزایش شاخص کفایت سرمایه می نمایند و یا به بیان دیگر ترجیح می دهند درجه ریسک کمتری را بپذیرند. شواهد بیشتر بدست آمده در سطح بانکهای دولتی نشان می دهد که شاخص های کیفیت حسابرسی شامل تعداد مدیران و رتبه مؤسسات حسابرسی موجب کاهش این نسبت و تعداد اعضای هیأت مدیره موجب افزایش این نسبت شده است. تحلیل بیشتر این رابطه بر حسب نوع مالکیت بانکها نشان می دهد که هیچ یک از شاخص های حاکمیت شرکتی رابطه معنی داری را با شاخص کفایت سرمایه در سطح بانکهای غیر دولتی ندارند. وقوع چنین نتایجی مطابق با انتظارات نبود. طبق مطالعات پیشین در سطح بانکهای خصوصی به دلیل رقابت و نیز تلاش برای کسب و حفظ استاندارد های جهانی باید میان شاخص های حاکمیت شرکتی و شاخص کفایت سرمایه رابطه معنی داری گزارش می شد. مطالعه تقوی و دیگران (۱۳۹۲) این موضوع را از دیدگاه اقتصادی تأیید کرده بودند. هر چند این نتایج در تحقیق حاضر تأیید نشد. به نظر می رسد انجام تحقیق بیشتر به منظور بررسی چرایی این موضوع می تواند در تحقیقات آینده مورد توجه قرار گیرد.

www.SID.ir

Archive of SID

- **شاخص‌های حاکمیت شرکتی و خالص تسهیلات اعطایی به دارایی ها**

نتایج کلی بررسیهای محقق در سطح بانکهای تجاری مؤید وجود روابط معنی داری میان متغیر های سنجش کیفیت حسابرسی (قدمت مؤسسه حسابرسی و تعداد مدیران حسابرسی)، تمرکز مالکیت و دوگانگی وظیفه مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره بود. این شواهد نشان داد که میزان تمرکز مالکیت بیشتر منجر به افزایش میزان تسهیلات اعطایی شده است و در مقابل افزایش کیفیت حسابرسی بانک‌ها منجر به کاهش این تسهیلات خواهد شد. وجود نتایج معنی دار منفی میان متغیر دوگانگی وظیفه مدیر عامل و رییس هیأت مدیره و نسبت خالص تسهیلات اعطایی به دارایی ها حاکی از وجود یک نوع احتیاط (از دیدگاه محقق) در اعطای تسهیلات از طرف بانکهایی است که چنین ویژگی را دارا هستند. همچنان که در آماره توصیفی گزارش شد، نسبت تسهیلات اعطایی به کل دارایی های صنعت بانکی در دوره مورد بررسی به طور میانگین برابر با ۷۳ در صد می باشد و این نسبت از حد میانگین جهانی به مراتب بالاتر است.

به نظر می رسد بررسی موضوع تسهیلات اعطایی بر اساس ریسک آنها اطلاعات بیشتری را در این زمینه فرا هم می آورد و این موضوع در بخش پیشنهادات ارائه می شود. شواهد بدست آمده در سطح نوع مالکیت بانک‌ها نشان می دهد که در بانکهای دولتی قدمت مؤسسات حسابرسی دارای رابطه منفی معنی دار بر این شاخص است این مطلب مؤید آن است که کیفیت مؤسسات حسابرسی به عنوان یک عامل بازدارنده در اعطای تسهیلات در نظر گرفته می شود و در حقیقت می توان گفت افزایش کیفیت حسابرسی می تواند موجب ایجاد محدودیت در اعطای تسهیلات شود. همان طور که در بند قبل مطرح شد بررسی نظام مدیریت ریسک در بانکهای موضوع مطالعه می تواند ابعاد بیشتری از کیفیت داریی ها بر حسب ریسک گزارش نماید. در عین حال شواهد معنی داری در سطح بانکهای غیر دولتی گزارش نشده است و این موضوع نیز جنبه بررسی بیشتری دارد.

- **شاخص‌های حاکمیت شرکتی و شاخص‌های کارایی و نقد شوندگی**

بررسی اولیه در سطح بانکهای تجاری نشان دهنده رابطه معنی داری میان نسبت هزینه به سود و نیز دارایی های نقد شونده به دارایی ها و شاخص های حاکمیت شرکتی نیست. این موضوع نیازمند بررسی های بیشتری است. با تفکیک بانکها بر حسب نوع مالکیت شواهد معنی داری در سطح بانکهای دولتی گزارش نشده است. اما در سطح بانکهای خصوصی شواهد معنی داری از رابطه تعداد اعضای هیأت مدیره، مالکان نهادی، تعداد مدیران حسابرسی و قدمت مؤسسه حسابرسی گزارش شده است. این شاخص ها عموماً تأثیر کنترلی شاخص های حاکمیت شرکتی بر کنترل هزینه این بانکها را تأیید می کنند. افزایش کیفیت حسابرسی (قدمت مؤسسه حسابرسی) و تعداد اعضای هیأت مدیره بر کاهش هزینه ها گزارش شده اند. در عین حال شواهد مغایری در خصوص تعداد مدیران مؤسسات حسابرسی نسبت به متغیر قدمت مؤسسه حسابرسی گزارش شده است و در این زمینه بررسی بیشتری نیاز است. همچنین شواهد مربوط به شاخص نقد شوندگی نشان می دهد که ارتباط مثبت معنی داری میان این شاخص و متغیر نقد شوندگی بانکهای خصوصی وجود دارد. امیری (۱۳۹۲) نشان داد که در بانکهای عضو بورس (بانکهای غیر دولتی) مالکیت نهادی تأثیر کاهنده (مثبت) بر روابط ریسک اعتباری و نقدینگی دارند. این شواهد با نتایج بدست آمده در این مطالعه هم خوانی دارد.

- **شاخص‌های حاکمیت شرکتی و شاخص خالص تسهیلات اعطایی به سپرده‌ها و نسبت مطالبات مشکوک الوصول به سود تسهیلات اعطایی (شاخص های کیفیت دارایی)**

در پایان عملیات سنجش رابطه میان شاخص های حاکمیت شرکتی و شاخص های کیفیت دارائی ها، شواهد محدودی در خصوص رابطه میان کیفیت حسابرسی شاخص (قدمت مؤسسه حسابرسی بانک) و نسبت خالص تسهیلات اعطایی به سپرده ها وجود

www.SID.ir

Archive of SID

رابطه منفی میان نسبت قدمت مؤسسه حسابرسی و نیز شاخص کیفیت دارایی خالص تسهیلات اعطایی به سپرده ها (که در بخش قبلی طبق گزارش باقرپور (۱۳۹۰) حکایت از بالا بودن این نسبت در مقایسه با استاندارد جهانی دارد) می تواند علامت دهنده این موضوع باشد که این شاخص کیفیت حسابرسی موجب تعدیل شاخص مزبور شده و به بیان دیگر بهبود شاخص کیفیت حسابرسی موجب بهبود شاخص کیفیت دارایی شده است. این یافته ها مطابق با نظریه های حاکمیت شرکتی است و مؤید نقش کنترلی و نظارتی آنها در بهبود کارکرد بانکهای تجاری است. بررسی این یافته ها در سطح بانکهای دولتی و غیر دولتی نتایج مشخصی نداشته است. بررسی چرایی این موضوع در مطالعات بعدی پیشنهاد می شود. عدم وجود رابطه معنی دار میان شاخص‌های حاکمیت شرکتی و شاخص کیفیت دارایی نسبت مطالبات مشکوک الوصول به سود تسهیلات اعطایی نیز از جمله موارد مورد انتظار نبود، چرا که از نظر منطقی بهبود شاخص های حاکمیت شرکتی باید موجب کاهش مطالبات مشکوک الوصول و افزایش کیفیت دارایی های بانکی شود ولی در سطح کلی بانکهای تجاری در دوره مورد بررسی چنین نتایجی گزارش نشده است .

نتایج بررسی های بیشتر در مورد فرضیه اخیر در سطح بانکهای دولتی و غیر دولتی حکایت از آن داشت که در سطح بانکهای دولتی نفوذ مدیر عامل دارای رابطه ای منفی و دوگانگی وظیفه مدیر عامل و رییس هیأت مدیره و نسبت مالکیت نهادی رابطه مثبت با شاخص نسبت مطالبات مشکوک الوصول به سود تسهلات اعطایی بوده اند. این روابط در سطح بانکهای غیر دولتی گزارش نشده اند. به نظر می رسد این شواهد نیز در سطح بانکهای دولتی محل مناقشه و چالش است، چرا که وجود رابطه منفی میان شاخص حاکمیت شرکتی و شاخص کیفیت دارایی مورد انتظار نیست، اما نتایج این آزمون نشان داد که وجود مالکان نهادی موجب افزایش این نسبت شده است. اگر چه می توان این موضوع را در ناکارامدی نظام بانکی بخش دولتی جستجو کرد ولی در عین حال این نتایج با روح مکانیزم حاکمیتی همخوان نیست. در عین حال وجود رابطه مثبت میان متغیر دوگانگی وظیفه مدیر عامل و رییس هیأت مدیره و نسبت کیفیت دارایی مزبور مورد انتظار است، چرا که کاهش نظارت و تعدد وظایف موجب افزایش هزینه های تسهیلات اعطایی در بانکهای دولتی شده است. در نهایت وجود رابطه منفی میان نفوذ مدیر عامل و این شاخص نیز مؤید آن است که افزایش نفوذ و تأثیر گذاری مدیر عاملین بانکهای دولتی موجب کاهش نسبت و در نتیجه افزایش شاخص کیفیت دارایی می شود و این مطلب دارای شواهد پشتوانه ای نیست. در عین حال بررسی های بیشتر در آینده می تواند شواهد بیشتری را در این زمینه ها فراهم آورد .

۵- آزمونهای تکمیلی و همزمان

در بخش پایانی این بخش خلاصه ای از آزمونهای تکمیلی انجام شده مطرح می شود. ایجاد معادلات ساختاری و بررسی روابط همزمان متغیر های تحقیق این حسن را دارد که تأثیر شاخص های حاکمیت شرکتی و سلامت مالی و روابط احتمالی متقابل و درونی آنها شناسایی شود. در این تحقیق با آزمون ۳ مدل ساختاری در نهایت یک مدل بهبود یافته پیشنهاد شده است که طبق آن شاخص های حاکمیت شرکتی موجب بهبود در شاخص های سلامت مالی (شامل کیفیت دارایی، کفایت سرمایه و کارایی) می شوند و در نهایت این شاخص ها موجب تأثیر بر شاخص سود آوری خواهند شد. این مدل در شکل یک نشان داده شده است.

با توجه به شکل یک فوق که خروجی نرم افزار لیزرل می باشد، نتایج حاصل از بررسی روابط همزمان متغیرهای تحقیق به شرح نمودار شماره یک خلاصه شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

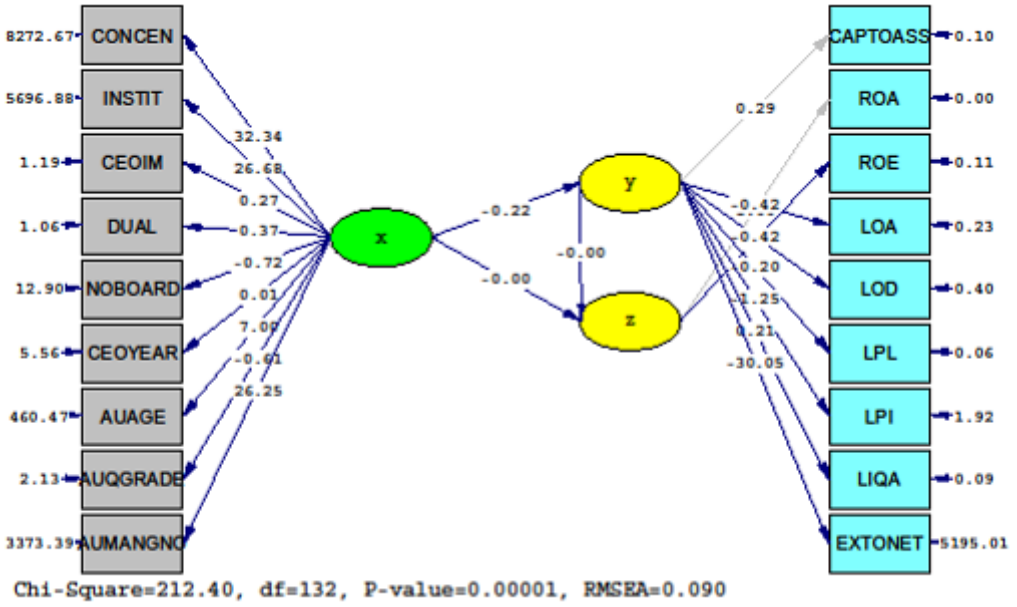

شکل شماره ۱

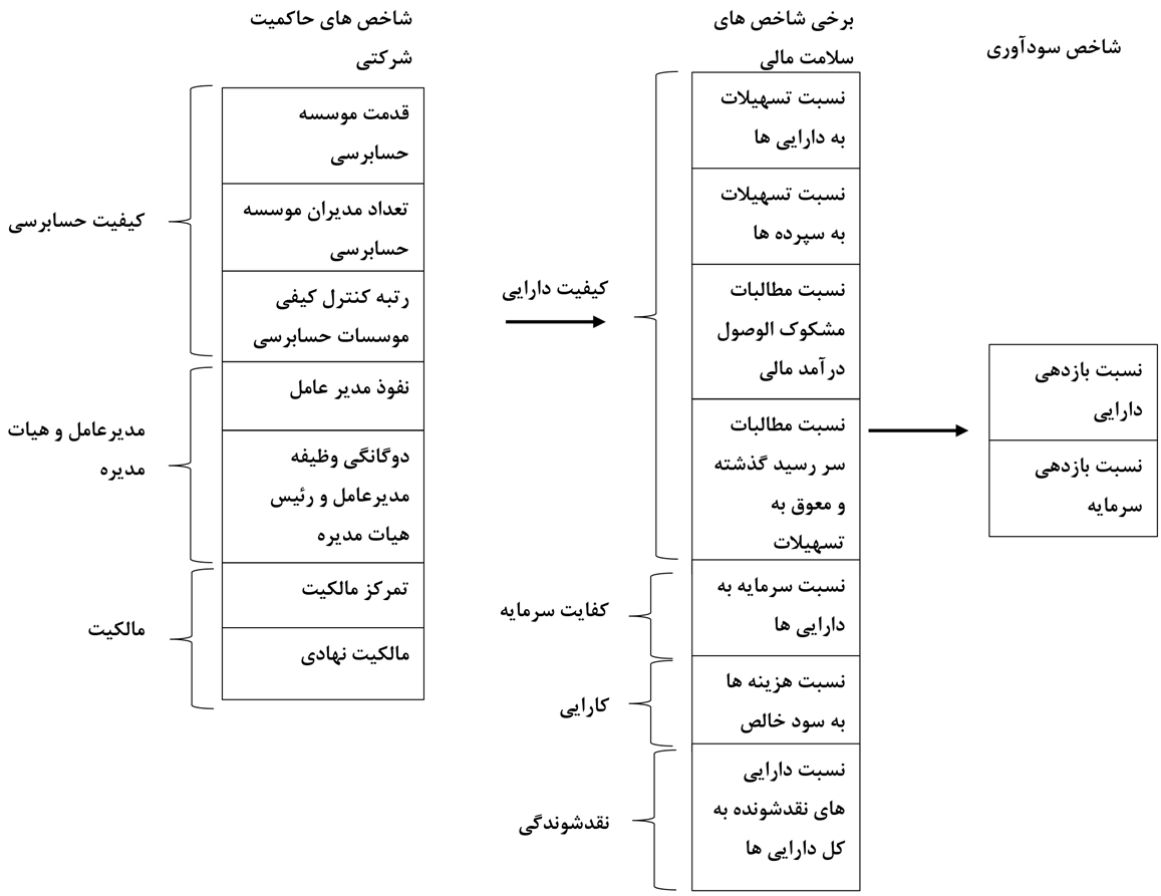

شکل شماره ۲- مدل پیشنهادی معادلات ساختاری بانک‌های تجاری موضوع پژوهش

www.SID.ir

Archive of SID

۶- نتیجه‌گیری و بحث

در این مطالعه شواهدی دال بر کارامدی برخی شاخص های حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر شاخص های سلامت مالی گزارش شد. به دست اندر کاران صنعت بانکداری و افراد ذینفع پیشنهاد می شود با توجه به نتایج این تحقیق :

الف- احتمال تأثیر ساختار های مالکیت بانکی بر ناکامی و ناکارامدی در نظام بانکی را در تصمیم گیریهای خود لحاظ نمایند.

ب- نظر به اهمیت تأثیر تعداد اعضای هیأت مدیره در بازدهی بانکها، بر کارامدی نظارت بر مدیریت ارشد بانک در راستای انتخاب مدیران ذیصلاح واقف باشند.

ج-نظر به وجود شواهدی مبنی بر تأثیر شاخص های کیفیت حسابرسی بر سلامت مالی، این موضوع را در تصمیم گیری های خود لحاظ کنند. جامعه حسابداران رسمی ایران به عنوان نهاد متولی این موضوع و همچنین سازمان بورس اوراق بهادر به عنوان متولی نظارت بر بانکهای بورس می توانند در کانون این توجه قرار گیرند.

د-نظر به وجود شواهدی مبنی بر تأثیر تفکیک وظایف مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره بر بهبود سود آوری بانکها، عدم تمرکز قدرت به عنوان ابزاری اثر بخش در افزایش نظارت هیأت مدیره به منظور افزایش شفافیت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی پیشنهاد می شود.

ه- با توجه به این که کاهش تمرکز مالکیت و مالکان نهادی، مدیران بانکها را به کاهش سطح کفایت سرمایه به احتمال زیاد وادار می کند (طبق این مطالعه)، در نظر گرفتن این موضوع در ایجاد چارچوب حاکمیت شرکتی در بانکها، به نهاد های متولی چون بانک مرکزی و سازمان بورس اوراق بهادر توصیه می شود .

و-نتایج این مطالعه بر نقش مدیریت ریسک و رعایت الزامات کنترلهای داخلی تأکید می کند و نظر به این که این مهم به طور کامل در کشور ما تحقق نیافته، الزام به اجرای مقررات مربوط به حاکمیت شرکتی از سوی نهاد های ناظر به ویژه بانک مرکزی می تواند یک گام موثر در پیاده سازی آن تلقی شود.

ز-نظر به این که نظارت و رتبه بندی بانکها در دنیا به کمک مدلهایی چون CARMEL انجام شده است، ایجاد چنین مدلهایی به منظور رتبه بندی در بانکها پیشنهاد می شود.

ح-اگر چه که در این مطالعه مشاهدات متقنی مبنی بر برتری بانکهای خصوصی نسبت به بانکهای دولتی گزارش نشده است، اما بررسی این موضوع به لحاظ اهمیت و با در نظر گرفتن داده های بیشتر می تواند مفید باشد.

فهرست منابع

* امیری، عباس (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بین ریسک اعتباری با سود آوری و نقدینگی در بانکهای عضو بورس اوراق بهادار با تأکید بر نقش تعدیلی نظام راهبری شرکتی "، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
* رسول خوانساری، حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی، مفاهیم و موضوعات بنیادین، تازه های اقتصاد، سال ۸، شماره ۱۲۸، ص ۱۰۲-۱۱۰
* علی حسن زاده، آرش محمد علیزاده، تازه های اقتصاد، سال نهم، شماره ۱۳۳،ص ۸۸- ۷۴)
* ارائه مدل سنجش و ارزیابی مالی در شرایط محیطی ایران، محمدرضا پورعلی، دانش سرمایه گذاری، سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۲، ص۲۰۶- ۱۷۹)
* نیکومرام، هاشم ،پورزمانی (۱۳۸۵)، حاکمیت شرکتی و پیش بینی ورشکستگی شرکتها، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.
* هادی حیدری، سوده صابریان رنجبر، فرهاد نیلی، فصلنامه پول و اقتصاد، شماره ۸، تابستان ۱۳۹۰، صص۴۳-۸۶
* علی حسن زاده، دکتر محمد ابراهیم پورزرندی و علی حلمی، حاکمیت شرکتی و ارتقای سلامت

www.SID.ir

Archive of SID

مالی با نگاهی به صنعت مالی و بانکی کشور، انتشارات گپ.

* راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی مؤثر در نظام بانکداری ایران، مدیریت کل نظارت بر بانکها و مؤسسات اعتباری، اداره مطالعات و مقررات بانکی، ترجمه و تدوین محمد روشندل، آذر ماه ۱۳۸۶، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
* رهنمای رودپشتی، فریدون و صالحی، اله کرم (۱۳۸۹)، مکاتب و تئوری های مالی و حسابداری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
* کثیری ف غلامرضا، و مجبوبه یزدانی (۱۳۹۲) "بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و عملکرد بانکها و موسسات مالی در بورس اوراق بهادار تهران "، نخستین کنفرانس ملی و توسعه مدیریت پولی و بانکی.
* لاون،لاک (۱۳۸۷). "حاکمیت بانکها"، مترجم، پرویز، عقیلی کرمانی، تازه های اقتصد(شماره ۱۲۱) صص ۳۳-۳۵
* مجتهد، احمد (۱۳۸۷) ." حاکمیت شرکتی یک نگرش جدید بر فعالیت بانکها و موسسات اعتباری " تازه های اقتصاد ،۱۲۲، صص ۵۶-۵۷
* مدل سازی معادلات ساختاری،مؤمنی، منصور، دشتی، مجتبی، بایرام زاده، سونا و ندا سلطان محمدی، انتشارات مؤلف، تهران (۱۳۹۲)
* Abu-taanjeh,A.M.2009; "Groporate governance from the Islamic perspective A comporative analysis
* with OECD princiles ", critical perspectives on Acconnting ,20,pp.556-567.
* Lewis,M.(2005). Islamic Gorporte governance ; Review of Islamic Economics ;9(1) ,pp.5-29
* Allen ,F. x .Gu,o. kowalewski(2011). “Gorporate governance and intra-group transaction s in European bank holding companies during the crisis " Working paper p.1-69
* Talip , M.,R., Hassan ,A. Yusoff (2010)”R iability of Islamic Banking and Finance in South Africa :alook at the Legal Framework and Governance"IIUM law journal. vol.18,no .2,pp.238-260
* Po dviezko , A and R .Gineviccius (2010). ‘Economic Criteria Charactrising Bank Soundess and stability ‘ , ‘6th International Scientific conference’
* Iannidis ,C,F.Pa siouras , C Zapounidis , (2009). Assessing bank soundess with classification techniques ‘ , working Paper , university of Bath.
* Ghosh , S (from Indian Banking Sector’ , MPRA working paper. 2010).’Credit Growth, Bank Soundness and Financial Fragility : Evidence
* Grassa , R. , Matoussi , H .(2014).’ Corporate Governance of Islamic Banks. A comparative study between GCC and Southeast Asia Countries’ , International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management , 7(3),pp.346-362.
* Cihak , M. nd H. Hesse(2010) ‘ Islamic Banks and Financial stability : An Empirical Analysis’ , Journal of Financial services Research , 38 (2-3), p.95-113.
* Allen ; B ; Bjorn ,I, and R.,Christian (2014).” The roles of corporate governance in bank failures during the recent financial crisis “ , working paper , ssrn. Com.
* Allen ; B ; Bjorn ,I, and R.,Christian (2014).” The roles of corporate governance in bank failures during the recent financial crisis “ , working paper , ssrn. Com.
* Spong , k., and R.sullivan (2007) .” corporate governance and band performance “. Working paper , ssrn.com
* Lai kai lin , k ., and M.konishi (2014).” Bank governance and band capital “, 27th Australasian finance and banking conference, working paper.
* Karim , s., k ., howell , and M.,atul (2012) .” on bank governance in developing countries : assessment of Egypt “, interdisciplinary journal of economics and business law , 1(3) , pp.
* Tripe, D.(2010) .” using DEA to investigate bank safety and soundness – which approach works best? “, journal of financial economic policy , 2(3) , pp. 237. 250.
* Qian , M ., and B., yeung (2014) .” bank financing and corporate governance “, journal of corporate finance , in press.
* H sieh , M., chen , p ., Lee , C ., Yang (2013) .” How dees diversification impact bank stability ? the role of globalization , regulations , and governance environments , Asia-pasific journal of financial studies , 42(5) , pp. 813-844.
* Ivanov , M., Roncevic A., and J., simurinq (2013) .” corporate governance in creation

www.SID.ir

Archive of SID

banks “, the journal of American business review , 2(1) , pp. 289-297.

* Shahid , M., and Z.abbas (2011) .” financial stability of Islamic banking in Pakistan : An empirical study “, African business management , 6(10) , pp. 3706-3714.
* Chalermchatvichien , p.,Jumereornvong , S. , Jiraporn , p., and M. Singh(2011)."The effect of bank ownership concentration on capital adequacy,liquidity and capital stability", Journal of Financial Services Research,

یادداشت‌ها

[1] ownership concentration
[2] Institutional ownership
[3] chief executive officer dominance
[4] Duality
[5] Board size
[6] Board Independent
[7] Debt Independent
[8] Chief executive officer tenure
[9] Independent Auditor

www.SID.ir